

# اندیشه‌ها و آثار دکتر فریدون آدمیت

دکتر ناصر خادم آدم

مانده. «آدمیت فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت را تاریخچه‌ای می‌نامد» در نشر اندیشه آزادی و مقدمه جنبش مشروطه‌خواهی در ایران». پس از آن کتاب اندیشه‌های طالبوف تیریزی را انتشار داد. پژوهش بعدی او درباره اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی بود. در پیشگفتار این اثر نوشته است: «از تحقیقات خود سه هدف دارم، نخست اینکه مقام حقیقی اندیشه‌گران ایران را تا زمان مشروطیت باز نمایم و تأثیر هر کدام را در تحول فکری جدید و تکوین ایدئولوژی نهضت مشروطیت به دست دهم. دوم اینکه اگر از دستم برآید در ترقی دادن تفکر تاریخی و تکنیک تاریخ‌نگاری نو در ایران کاری کنم. و سوم اینکه نوآموزان بدانند در این مرز و بوم همیشه مردم هوشمند و آزاده‌خو بوده‌اند که صاحب اندیشه بلند بودند و به پستی تن در ندادند. از حکام دنیوی دست شسته و روحشان را به اربابان خودسرو نادان و ناپرهیز کار نفروختند.» و در پایان افزوده است: «اکنون که روی دل تنها به پرورش دانش و اندیشه دارم و بسی فرصت نشر این رساله را مغتنم شمردم، از انتقادهایی که بر موازین نقد علمی بشوند البته خرسند خواهم شد. از آنکه هیچ نوشته‌ای کمال مطلوب نیست و نیست اثری که انتقاد بر آن وارد نباشد. اما به انتقادهایی که بر پایه انتقاد علمی نباشند، اعتنایی ندارم.»

فریدون آدمیت در روزگار ما، نماینده همان

فریدون آدمیت در ۱۲۹۹ زاده شد. در ۱۳۱۸ دوران دبیرستان را به پایان رساند و در خرداد ۱۳۲۱ از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در دسامبر ۱۹۴۸ از دانشگاه لندن در رشته اقتصاد و علوم سیاسی درجه دکتری دریافت کرد. آغاز کار پژوهشی او پایان نامه دانشگاهی اش در ۲۱ سالگی «درباره زندگی سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر» بود. متن تکمیل شده آن با عنوان «امیرکبیر و ایران» در ۱۳۲۳ انتشار یافت. این اثر در ۱۳۸۶ به چاپ نهم رسید و امروز از تاریخ نخستین چاپ آن بیش از شش دهه می‌گذرد.

در ۱۳۴۰ کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت را انتشار داد. در مقدمه این اثر، تاریخ نهضت مشروطیت ایران را به دو مبحث اصلی تفکیک کرد: «یکی تاریخ بیداری افکار و نشر عقاید سیاسی و مدنی جدید که در حقیقت مقدمه هوشیاری ملی و نهضت آزادی است. دیگر شرح انقلاب مشروطه از زمان تحصیل فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ قمری) تا قیام ملی که به خلع محمد علیشاه از سلطنت انجامید (۱۳۲۷ قمری)». در همانجا افزود که: مبحث اول یعنی تاریخ نشر فکر آزادی در ایران کمتر مورد توجه بوده و می‌توان گفت تحقیقات منظمی در این باره انتشار نیافته است. در واقع این مبحث که اهمیت آن از تاریخ خود انقلاب کمتر نیست و مسلماً پر معنی و پر محتوی تراز آنست، مهجور



با او تانگ دیر کل سازمان ملل متحد

ویژگی‌هایی است که در پژوهش‌هایش بر شمرده بود. نتایج یافته‌های پژوهشی او در ۶۰ سال گذشته گنجینه پرمایه‌ای است، دربرگیرنده روشمندی علمی، گزینش راه استقلال و صداقت پژوهشی همراه با درس‌هایی آموزنده از نفوذ ناپذیری، استواری و پرهیز از لغزش و انحراف مصلحت‌خواهانه؛ ویژگی‌هایی که نشان‌دهنده روشن‌اندیشی و تعهد اجتماعی اوست. پژوهش‌های دیگر او اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده است.

تحقیقات آدمیت با فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، مقالات تاریخی، شورش بر امتیازنامه رژی، آشفتگی در فکر تاریخی، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (در دو جلد) و تاریخ فکر استمرار یافت. افزون بر آن، اثر پژوهشی افکار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ آثار منتشر نشده دوران قاجار را با همکاری هما ناطق به انجام رساند.

فریدون آدمیت در مقدمه اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌نویسد: «هر پژوهشی در تاریخ فکر باید آئینه اندیشه تمامی دانایان باشد، خواه با آرای آنان موافق باشیم، خواه مخالف. به عبارت دیگر کار مورخ آنست که ماهیت افکار را به درستی بشناسد و بی‌کم و کاست عرضه بدارد و در عین حال خود نقاد فکر باشد.»

اندیشه‌ها و کارهای فریدون آدمیت، تأثیر علمی، سیاسی و اجتماعی پژوهش‌ها و نوشتارهای او در سطوح ملی و بین‌المللی زمینه گسترده‌ای برای پژوهش در بینه توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌سازد. شناختن و شناساندن یافته‌های او، از ضرورت‌های زمان ما برای سرعت بخشیدن به تحولات اجتماعی است.

فریدون آدمیت آزادی بیان و قلم را برای پیشرفت اجتماعی مهم می‌دانست و پاس می‌داشت. سه دهه پیش در یکی از نشریه‌ها نوشت:

«بعنوان روشنفکر منفردی که منحصرأ به فلسفه

سیاسی عقلی اعتقاد دارم و کمال فرد و تعالی جامعه را تنها در نظام دموکراسی می‌شناسم، آزادی قلم و بیان را از ارکان دموکراسی بلکه از پاسداران آن می‌دانم. ماهیت قدرت و نحوه به کار بردن آنرا آزادی قلم و بیان فاش می‌کند، و از این جهت سد تجاوز قدرت سیاسی می‌گردد.

در يك کلمه، ترقی فکری و سیاسی جامعه لزوماً در بحث و انتقاد آزاد است؛ شکستن قلم اعتراض و انتقاد، همیشه راه را بر استبداد و حکومت جباری باز کرده است.»

فریدون آدمیت، حکیم‌الملک را در زمینه تحصیلات و تحقیقات، مشوق معنوی خود معرفی می‌کند. راهنمایی‌های استادش محمود محمود را در آغاز کارهای پژوهشی‌اش ارزشمند و مؤثر می‌داند. درباره چگونگی تکامل استعداد علمی خود بر دو مقطع زمانی تأکید دارد: یکی دوران تحصیل در دانشگاه لندن که در آن دانش او در پرتو آموختن مبانی نظری قوام یافت؛ دیگری دوران هشت ساله مأموریت در سازمان ملل متحد، که در آنجا این فرصت برایش فراهم آمد که آموخته‌های دوران تحصیل را کاربردی کند. او این دو مقطع را مکمل یکدیگر می‌داند و بر آیند آنها را در کارکرد علمی آینده‌اش مثبت می‌بیند.

نگاه کنیم به زمینه فکری او در ارتباط با اقتصاد سیاسی بعنوان نماینده ایران در سازمان ملل متحد: بیش

کشورهای مورد تعرض در حدّ ظرفیت قدرت تخریبی اش ملموس و شناخته شده نیست.

تحریم‌های اقتصادی و تأثیر گذاری در چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی، دخالت در پروژه‌های عمرانی و تعیین تکلیف برای انتخاب کالاها و خدمات در برنامه‌های تجارت خارجی از جمله سیاست‌های تعرض اقتصادی است که به صورت پنهان و آشکار در سطح جهان به شیوه‌های متفاوت اعمال شده، در مجموع از موانع رشد بوده و سدّ راه پیشرفت به خصوص برای کشورهای در جریان توسعه محسوب می‌شوند.

فریدون آدمیت که در آن هنگام هنوز نیمه نخست سومین دهه زندگی اش را پشت سر نگذاشته بود، به عنوان عضو هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد فرضیه تعرض اقتصادی را مطرح و تأکید کرد که در ساختار سیاست‌های بین الملل تعرض اقتصادی دست کمی از تعرض نظامی ندارد. در نیم سده گذشته شاهد انواع تعرض‌ها از رأس به سوی قاعده هرم قدرت‌ها، بویژه نشانه‌گیری شده به سوی کشورهای در حال توسعه در پهنه بین الملل بوده‌ایم. طرفه آنکه تعرض اقتصادی سه اصل بنیادی منشور سازمان ملل متحد را مخدوش می‌سازد: ۱- اصل استقلال سیاسی کشورها ۲- اصل برابری حاکمیت آنها و ۳- اصل عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر.

از سوی دیگر، عمق فاجعه چنان که باید شناخته و جدی شمرده نشده، تا در جهان و حتی در کشور ما گروه‌های کارشناسی به پژوهش‌های همه‌جانبه در این زمینه بپردازند و راهکارهایی به دست دهند تا بعنوان طرح‌های دفاعی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی گنجانده شود، کاربرد ضد تجاوز داشته و در پاسداری از استقلال و ناوابستگی کشور در برابر تهدیدهای اقتصادی کار ساز باشد.

فریدون آدمیت گذشته از تسلط بر زمینه‌های گوناگون تاریخ‌نگاری، متخصص پژوهش در زمینه تاریخ اندیشه است. پیش از او، آثاری چندان که متکی بر روش تحلیل علمی باشد در این زمینه نداشتیم. هدف از این نوشته این است که چارچوب آرای او را در روش تحقیق بویژه در ارتباط با تاریخ اندیشه منعکس کنیم و با

از نیم سده پیش، مفهوم تعرض اقتصادی در کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد که فریدون آدمیت عضو آن بود مورد بررسی قرار گرفت. او این نکته را مطرح کرد که گذشته از تجاوز مستقیم نظامی، کشورها ممکن است مورد تعرض‌های دیگری همچون تعرض غیرمستقیم مانند تعرض اقتصادی قرار گیرند:

«تعرض غیرمستقیم شامل مداخله در امور داخلی یا خارجی يك کشور می‌شود که از دیدگاه حقوق بین الملل چنین مداخله‌یی به منزله تهدید صلح و استقلال ملی است.» او درباره مفهوم تعرض اقتصادی افزود: «تعرض اقتصادی یکی از مشخص‌ترین اشکال تعرض غیرمستقیم است و به واسطه تفاوت در امکانات اقتصادی دولت‌های گوناگون میسر می‌شود. عدم تساوی، کشورهای بسیار صنعتی را توانا می‌سازد که در کشورهای کمتر توسعه یافته بهره‌وری کنند، موجب فلج اقتصادی شوند و مستقیماً ثبات اقتصادی آنها را در معرض خطر قرار دهند و به همین واسطه استقلال کشورهای کمتر توسعه یافته را مورد تهدید قرار دهند. توسل به معیارهای اقتصادی و سیاسی توأم با زور علیه يك دولت چه مستقیم یا غیرمستقیم که در جهت منع اعمال حاکمیت آن دولت بر منابع طبیعی یا کوشش‌های آن در جهت توسعه اقتصادی باشد، مهمترین عامل در تعرض اقتصادی است.

این تر باز نمای واقعیت حیات اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه از مشرق زمین تا آمریکای لاتین بود، کشورهایی که طعم تلخ استعمار مغرب زمین را چشیده‌اند و همواره مورد تعرضات گوناگون قرار گرفته‌اند.

از دید بررسی تطبیقی-تاریخی در این زمینه می‌توان گفت، امروز به کارگیری تدابیر تعرض اقتصادی یکی از متداولترین وسیله‌ها برای اعمال تجاوز در سازوکار سلسله مراتب هرم قدرت کشورهای جهانی است که، ظرفیت تخریبی آن کمتر از تعرض نظامی نیست و به عنوان یکی از شاخص‌های بارز ضد توسعه ارزیابی می‌شود. در عین حال سیمای انواع روش‌های به کار گرفته شده تعرض اقتصادی کاملاً شفاف نیست و خطرات تهدیدکننده آن از طرف مردم و مسئولان

فرازهایی از اندیشه‌های او آشنا شویم.

از دیدگاه آدمیت: «مفهوم تاریخ بیان وقایع تاریخی است بدانگونه که وقوع یافته‌اند یعنی نه کم و نه بیش؛ شناخت وقایع و حوادث است به طریق تحلیل علل و عوامل آنها یعنی عللی که خصلت فاعلی دارند و عواملی که به درجات تأثیر داشته یا تعیین کننده بوده‌اند؛ و بالاخره تحلیل مجموع واقعیات و علل و عوامل است در تعقل تاریخی.»

او می‌نویسد: «پایه تاریخ نویسی جدید را همان تاریخ تحلیلی و جامعه‌شناسی تاریخ و تفکر تاریخی تشکیل می‌دهد. پیشرفت آن منوط به تعلیم روش صحیح علمی مطالعه تاریخ و چگونگی بهره‌برداری از منابع تاریخ است.» او می‌افزاید: «باید اصول نقد و تحقیق تمام رشته‌های تخصصی تاریخ را جداگانه آموخت و در هر رشته‌ای به جریانهای تاریخی و عوامل اصلی سازنده آنها توجه داشت و تأثیر آن عناصر را در تطورات تاریخ سنجید.»

آدمیت نوشته‌های گروه ادیبان مورخ را ناچیز می‌داند و مورد نقد قرار می‌دهد و بزرگترین کمبودها و نارسایی‌ها در تاریخ نگاری را چنین برمی‌شمارد: «۱- مهمترین تواریخی که نگاشته‌اند به حد واقعه‌یابی ختم می‌گردد و اگر نویسندگان در مواردی به مرز تحلیل تاریخی رسیده باشند، همانجا متوقف شده‌اند.

۲- رشته‌های مختلف تاریخ و روش علمی نقد و مطالعه هر کدام به درستی شناخته نگردیده است. در مباحث تاریخ اقتصادی و اجتماعی و دیپلماسی و تاریخ فکر بسیار فقیر هستیم. هنوز به درستی ندانسته‌اند که منابع مطالعه هر کدام از شعبه‌های تاریخ فرق می‌کند.

۳- به طبقه‌بندی منابع تاریخ و ارزشیابی هر کدام توجه لازم مبذول نمی‌گردد. نه فقط مأخذ هر دوره‌ای از تاریخ قدیم و جدید به حکم ضرورت فرق می‌کند، بلکه ارزش این منابع تفاوت کلی دارد.

۴- بدتر از همه ناسنجیدگیهای مورخان است در حکمهای تاریخی و قیاسهای بیجا. در ستایش یا نکوهش اندازه و معیاری نمی‌شناسند و قضاوت‌هایشان به مدح و ذم شاعران بیشتر می‌ماند تا رأی تاریخ.

۵- اکثر مورخان ما با جامعه‌شناسی تاریخ و فلسفه تاریخ آشنایی ندارند.»

رأی علمی او در روش تحقیق این است که، هر يك از شاخه‌های گوناگون تاریخ از جمله تاریخ اندیشه فوت و فن و تکنیک ویژه خود را می‌طلبد. برای بررسی تاریخ اندیشه باید عوامل گوناگون را در نظر گرفت و تنها به تأثیر عامل مادی بسنده نکرد زیرا: «اندیشه و اندیشه‌گر هر دو زاده اجتماع‌اند اما اندیشمند شخصیت فردی هم دارد و بالاخره مغز اندیشه آفرین فرد است که فکر را می‌پروراند.»

آدمیت پژوهش در زمینه تاریخ اندیشه را به چند مرحله تقسیم می‌کند: مرحله نخست، بررسی وضع شخصی و خانوادگی صاحب اندیشه است. او گذشته از جامعه، شرایط خانوادگی و وضع زندگی شخصی را در پرورش منش آدمی مؤثر می‌داند و نتیجه می‌گیرد که زندگی اندیشمندان را باید با توجه به همه عوامل و اثرگذاری آنها بر یکدیگر بررسی کرد.

مرحله دوم، نقد و تحلیل اندیشه‌هاست. در این مرحله باید به «زمینه فرهنگ اجتماع، سرچشمه اندیشه‌ها و عناصر سازنده فکری دانایان و تحول ذهنی آنان در گذشت زمان» توجه داشت. مرحله سوم، تأثیر فکر است در اذهان دیگران و در اجتماع.

گفتنی است که آدمیت از آغاز نخستین اثر پژوهشی‌اش، امیر کبیر و ایران، که بیش از شصت سال از عمر آن می‌گذرد، همین روش تحقیق را به کار برده است.

در این پژوهش، زندگی امیر کبیر را از آغاز، شرایط خانوادگی او، دوران جوانی و خدمات دیوانی‌اش، ساختار و درونمایه نظام اجتماعی در آن روزگار و محیط پرورش او تا رسیدن به مقام صدارت عظمی، و همچنین خوی و منش، سیما و سیرت و رگه‌های شخصیت و حالات روانی و عادات او را بررسی کرده است. بدین سان می‌بینیم که آدمیت با اصول روش تحقیق، از آغاز کار پژوهشی در عنفوان جوانی آشنایی داشته است. پس از آن نیز نه تنها اصول روش تحقیق را در همه آثارش به کار گرفته، بلکه گسترش داده و تکامل بخشیده است.



آدمیت در پژوهش‌های تاریخی خود از جمله با ظرافت به طرح‌های اقتصادی نوآوران و صاحبان اندیشه نگر بسته و موشکافانه به بررسی و تجزیه و تحلیل پرداخته است. واکاوی اندیشه‌های اقتصادی در آثار او از دو جهت اهمیت دارد: یکی آشنایی با صاحبان فکر، اهمیت طرح‌های آنان در آن دوران و با توجه به نبود امکانات ارتباطی و آگاهی‌یابی از رویدادهای جهانی؛ دیگر، ایجاد فرصت برای بررسی‌های تاریخی - تطبیقی روند تولید اندیشه با در نظر گرفتن جهش‌های علمی و پیشرفت‌های سریع در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی در جهان در عصر تکنولوژی رسانه‌ای پیشرفته می‌باشد.

اندیشه‌های اقتصادی در آثار آدمیت زمینه پژوهش‌هایی مستقل را می‌سازد. فصل‌ها و بحث‌های اقتصادی در آثار او نشان می‌دهد با آنکه اقتصادرشته تخصصی او نبوده، ولی آرای اقتصادی اندیشمندان را در برنام‌های توسعه و اصلاحات اقتصادی در دوران ما بسیار آموزنده است. نمونه‌های بحث درباره اندیشه‌های اقتصادی در آثار آدمیت را در منابع زیر می‌بینیم:

اندیشه‌های اقتصادی در کتاب «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت»، سیاست اقتصادی، صنعت و کشاورزی، اقتصاد ملی در برخورد با استعمار در «امیر کبیر و ایران»، اصلاحات و پیشرفت اقتصادی در «اندیشه‌های طالبوف تبریزی»، تحول اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و نیز پیشرفت اقتصادی در «اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار». همچنین در دو جلد کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران با عناوین اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، تنظیم بودجه و تدابیر مالی، طرح بانک ملی و بانک تجارت آلمان، و صنایع الدوله و نقشه‌رفرم آشنا می‌شویم. گذشته از آن، در اثری مشترک باهما ناطق (افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی) به بررسی عقاید اقتصادی و مسایل پول و مالی پرداخته شده است.

پژوهش‌های تاریخی ویژگی پویایی دارد. با دستیابی پژوهشگر به اسناد و مدارک تازه، بازنگری‌های تاریخی ضرورت می‌یابد و برپایه یافته‌های تازه و چه بسا

میزان موفقیت کار پژوهنده در زمینه تاریخ اندیشه، بستگی به درجه تسلط او به شاخه‌های علم تاریخ‌نگاری دارد. گذشته از آن، آشنایی او به دیگر رشته‌های علوم مرتبط مانند فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، حقوق، روابط بین‌الملل و... لازم است.

پژوهشگر در زمینه تاریخ اندیشه، با اشراف به دانش‌های گوناگون، شرایط زندگی اندیشه‌گر را از دوران کودکی بررسی می‌کند؛ تأثیر وضع خانوادگی و اجتماعی بر او را می‌کاود و به شناسایی زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی عناصر سازنده اندیشه‌دانان می‌پردازد؛ تأثیر افکار را در اجتماع و نیز در بیدایش ایدئولوژی‌ها می‌سنجد و چون اهل سیاست هم می‌توانند بر ایدئولوژی‌ها اثرگذار باشند، «لاجرم تاریخ‌نگار باید رابطه آن اصول و ایدئولوژی‌ها را در برخورد با اجتماع و با ماهیت شخصیت مجربان سیاست مورد تأمل قرار دهد.» همچنین، مورخ باید خود صاحب اندیشه باشد: «به یک معنی تاریخ‌نگار واقعی معمار فکر است نه تنها مدرس افکار.»

آدمیت در ارتباط با پژوهش‌هایش در زمینه تاریخ مشروطیت و رساله با عنوان «در تفکر تاریخی و روش تحقیق» و «ملاحظات در سنجش منابع» دارد که برای خوانندگان آثارش و بویژه دانش‌پژوهان در زمینه تحقیقات تاریخی آموزنده است.

از دید او، تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی باید جداگانه مورد مطالعه قرار گیرند؛ هر چند به هم پیوسته اند زیرا: «جوهر فلسفه سیاسی مسأله ماهیت و تنظیم قدرت» و «جوهر تاریخ سیاسی مسأله بکار بردن قدرت» است. او تفکر تاریخی را عنصر اصلی تاریخ‌نویسی می‌داند: «کار مورخ گرد آوردن واقعیات از هر قبیل و تلمبار کردن آنها به صورت خشکه استخوان در موزه آثار باستانی نیست.»

با این دید پژوهش‌های تاریخی را می‌توان به کارهای آزمایشگاهی تشبیه کرد که پژوهشگر منابع مورد نظر را بعنوان مواد خام مورد نیاز گردآوری می‌کند. او باید توان تشخیص چگونگی بهره‌برداری از آنها را نیز داشته باشد تا بتواند زمینه تحلیل رویدادهای تاریخی و پاسخگویی به پرسش‌ها را به دست آورد.

نامه‌های خصوصی را در پژوهش‌هایش در زمینه تاریخ مشروطیت مورد ارزیابی قرار داده است.

رسالة کامل و منظمی در ارتباط با روش تحقیقات تاریخی در شاخه‌های گوناگون از جمله تاریخ اندیشه برای استفاده دانش‌پژوهان در این رشته به دست داده نشده است؛ زمینه‌ای که می‌توانست برای پیشرفت فن تاریخ‌نگاری علمی و مدرن بسیار مؤثر باشد. فریدون آدمیت فرصت نیافت که این خلأ را در چارچوب اثری مستقل پر کند؛ چیزی که از دیدگاه او برای پیشرفت تاریخ‌نگاری لازم و بسیار حائز اهمیت است؛ گرچه در جای جای آثارش، به گونه فشرده روش تحقیقات به کار گرفته شده در بررسی‌های خود را منعکس کرده است.

فریدون آدمیت گذشته از ظرفیت بالای دانش علمی، از ذهنی ریاضی برخوردار بود. تحلیل‌های او با برهان و مستدل است. در اینجا نمونه‌هایی می‌آوریم: درباره پیشرفتهای علمی و مسائل گریزناپذیر آن می‌نویسد: «البته مسأله بزرگ و پیچیده‌ای که مدنیت انسانی با آن مواجه گشته این است که مناسبتی میان دانش و فن طبیعی و بکار بستن نتیجه‌های آن از یکسو و ترقی علوم اجتماعی برای حل مسائل ناشی از پیشرفت علوم طبیعی از سوی دیگر، حاصل نشده است. همچنین آنچه به عنوان تمدن مغرب شناخته شده، کثرتی‌ها و کاستی‌های فراوان دارد. بهر صورت، حل آن معملاً و دفع این کثرتی‌ها الزاماً عقلایی است؛ اگر عقل فروماند، بقیه حرف مفت است.»

به ایرادگیران به قانون اساسی مشروطیت چنین پاسخ می‌دهد:

«هر نویی کهنه می‌شود؛ هر کهنه‌ای منسوخ می‌گردد و می‌میرد. کج سلیقه و کور دل آنان هستند که اعتبار سند سیاسی را جاودانه می‌پندارند که خود نفی قانون تکامل بشریت است. قانون اساسی یعنی حکومت با اصول که در تقابل خود کامگی و استبداد قرار دارد. قانون اساسی ما حاکمیت ملت را اعلام کرد که عالی‌ترین مرجع فلسفه سیاسی است؛ مکانیسم تفکیک قوا را به دست داد که ضامن حکومت قانون است؛ نظام کهن استبدادی و هر نوع قدرت فائقه فردی را طرد

ناهمخوان با دریافتهای گذشته، تحلیل‌ها و نگرش‌هایی دیگرگون مطرح می‌شود.

فریدون آدمیت پژوهش‌هایش را «بر پایه منابع اصیل تاریخی» نهاده و همه جا بر اهمیت این نکته تأکید کرده است. یادآوری می‌کند که، هر مدرک تاریخی به کار همه زمینه‌های پژوهشی نمی‌خورد؛ ممکن است سندی برای پاسخگویی به یک پرسش معتبر و در مقوله دیگری بی‌ارزش باشد.

شناخت منابع تاریخی ورزیدگی و تخصص می‌خواهد. پژوهشگر در صورت تسلط به روش تحقیق در رشته‌های گوناگون تاریخی، با تعیین سلسله‌مراتب منابع، به شرط آگاهی از چگونگی بهره‌گیری درست از اسناد و مدارک، زمینه پاسخگویی به پرسش‌های گوناگون را می‌یابد. در ارتباط با منابع تاریخ مشروطیت از نظر سلسله‌مراتب به مدارک و اسناد درجه اول تأکید دارد. اصالت منابع با موضوع و مقوله مورد بررسی ارتباط دارد. هر مطلبی به کار هر پژوهش نمی‌خورد. یک مطلب ممکن است برای قضیه‌ای معتبر باشد ولی ارزشی برای مطلب دیگری نداشته باشد. برای نمونه «مقالات روزنامه‌ها منبع عمده بررسی و جهت نظر مطبوعات و حتی بعضی رویدادهاست. اما تحلیل سیاست خارجی به مآخذ نوشته‌های جراید عاری از ارزش و اعتبار علمی است.»

او برای بررسی تاریخ مشروطیت به تشریح منابع و سنجش تاریخی آنها می‌پردازد و منابع معتبر مورد استفاده را ارائه می‌دهد. به هر رو، در دو اثرش درباره میرزا آقاخان کرمانی و ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران به اصول روش تحقیق پرداخته شده که، مآخذ ارزشمندی برای پژوهشگران، بویژه در رشته تاریخ است.

آدمیت در ارتباط با سنجش تاریخی منابع، خلاصه صورت مذاکرات مجلس، اسناد رسمی، مدارک موجود در آرشیوهای دولتی بویژه در زمینه تاریخ دیپلماسی کلاسیک یا روابط بین‌الملل، گزارش‌های رسمی مأموران خارجی، آرشیوهای خصوصی دربرگیرنده سرگذشت شخصی (اتو بیوگرافی)، خاطرات، یادداشت‌های موضوعی، یادداشت‌های روزانه و



با جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند

حتی در دایره تنگ خانوادگی معتقد به رابطه قبیله‌یی نیست. ارتباط اندیشه‌یی را می‌پسندید. آدمیت با آنکه در این سالها دست از قلم کشیده بود، نزدیکانش را به حرکت در مسیر تحقیق و روشن اندیشی سفارش می‌کرد و می‌گفت پژوهش و اندیشه‌ورزی آثار عملی و فکری دارد و از زندگی همین است که باقی خواهد ماند.

او برای نظرات دگراندیشان احترام قائل بود. بر پایه مفهومی که برای دموکراسی می‌شناخت و تعریف کرده بود، آرای عمومی را معیار سنجش می‌دانست. به گسترش دانش و اندیشه‌ورزی و پیشرفت و بهروزی کشورش دلبستگی بی‌اندازه داشت. در پرتو فلسفه فکری اش، مشوق ایدئولوژی اعتراض بود: اعتراض به تاریخ اندیشی و کوته‌نگری. از بیگانگان زیاده‌خواه سخت بیزار بود و این بیزاری را پنهان نمی‌داشت. در مدت کوتاهی که کشور را ترک کرد و ناچار در انگلستان اقامت داشت، با آنکه به سختی می‌زیست، حتی تدریس یا کار پژوهشی در دانشگاه‌های انگلیس را نپذیرفت و می‌گفت حاضر نیست در کشوری حقوق‌بگیر باشد که دولت‌هایش در سراسر تاریخ

نمود؛ و برخی از مهمترین حقوق اجتماعی فرد را در مقابل قدرت دولت در برداشت. هیچکس نگفت که آن کامل‌ترین قوانین اساسی جهان است. اما تدوین آن قانون، به کار بستن آن، و تأسیس اولین حکومت ملی نه تنها کار مهمی بود، بلکه انقلابی در نظام سیاسی مملکت بود؛ مبدأ تحول تاریخی بود.»

در زمینه برخورد جامعه‌های کهن با مدنیت فراگیر می‌نویسد: «نه فقط صدر تاریخ ما، مشروطیت ذیل تاریخ غرب است، بلکه سیر تحولات فکری و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی همه آسیا و آفریقا در یکصد و پنجاه سال اخیر، حاشیه تاریخ مغرب زمین به‌شمار می‌رود. چه بیسندیم، چه بیسندیم، این درس عینی برخورد جامعه‌های کهن با مدنیت فراگیر و جهان‌شمول جدید است. دلخوری و آزرده‌گی و حتی بیزاری ما از واقعیات، نفی واقعیات نمی‌کند. اما در این برخورد ناگزیر و الزامی تاریخی، جامعه‌هایی سرانجام سلامت جستند که هم ابزار اصلی و اساسی حفظ هستی خویش را فرا گرفته، و هم هویت تاریخی خود را محفوظ داشتند.»

شخصیت اجتماعی آدمیت و آزاداندیشی اش تا اندازه‌ای در این سخن او نمود می‌یافت که در زندگی،

## آثار دکتر فریدون آدمیت

### ۱- فارسی

- امیر کبیر و ایران، تهران، خوارزمی، چاپ نهم، ۱۳۸۵
- اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۴۹.
- اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران، پیام، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران، انتشارات سخن، ۱۳۴۰.
- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام، چاپ اول، ۱۳۵۴.
- اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- مقالات تاریخی، انتشارات شبگیر، ۱۳۵۲.
- شورش بر امتیازنامه رژی، انتشارات پیام، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- آشفته‌گی در فکر تاریخی، ۱۳۶۰.
- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، چاپ اول، پیام، ۱۳۵۵.
- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد دوم - مجلس اول و بحران آزادی، چاپ اول، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۰.
- تاریخ فکر، روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار (با همکاری همانا ناطق)، آگاه، چاپ اول، ۱۳۵۶.

### ۲- انگلیسی

- جزایر بحرین، تحقیق حقوقی و دیپلماسی، ۱۹۵۵.
- روابط دیپلماسی ایران با روسیه و انگلستان و عثمانی (۱۸۳۰-۱۸۱۵) (منتشر نشده)

معاصر به ایران آسیب رسانده‌اند و منافع ملی آنرا پایمال کرده‌اند.

آدمیت خیلی زود و در زمانی که ذهن پر بارش هنوز توان تولید بسیار داشت و جامعه سخت نیازمند آموختن درسهایی تازه از او بود، قلم را کنار گذاشت و مسئولیت مدیریت باشگاه روشن اندیشی را به دیگران سپرد. از آن پس، حتی به درخواست نزدیک‌ترین کسانش برای اینکه نظری بدهد یا چند سطر بنگارد، پاسخ مثبت نداد. می‌گفت تکرار را نمی‌پسندد؛ هر چه می‌نویسد، در هر زمینه، باید بدیع و دربردارنده ایده‌ای تازه باشد. در این رهگذر، به درخواست دل خود هم برای آماده کردن اثری پژوهشی و مستقل در زمینه روش تحقیقات تاریخی و نیز در زمینه تاریخ دیپلماسی نرسید، زیرا آسایش فکری لازم برای این کار را نداشت.

زمانه برای این اندیشه‌ساز که در سراسر زندگی علمی‌اش همواره و در هر جا به طرح پرسش و گردآوری منابع از گوشه و کنار جهان می‌پرداخت، بستر لازم را فراهم نکرد تا هنر و توانمندی خود را چنان که می‌خواست نشان دهد؛ زود هنگام برنامه‌های پژوهشی و ناتمامش را بر زمین گذاشت و کارگاه تولید اندیشه‌ها را بست، و بدین سان جامعه از آثار تازه فکر و قلم او محروم ماند. نوشته‌های آدمیت، گذشته از درونمایه پربار، آهنگی آرامش‌بخش دارد و انگار در هر بخش از نوشته‌هایش قطعه‌یی از سمفونی آزادی اندیشه نواخته می‌شود. یکی از آن قطعات را در فراز پایانی کتاب اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ عصر سپهسالار می‌بینیم:

«امروز که مردم از سپهسالار یاد می‌کنند، مسجد و مدرسه و خانه او را یاد می‌آورند. دستگاه عمارتی که با جنبش ملی مشروطیت ملازمت تاریخی یافت: مسجد، مجلس وعظ و خطابه بود؛ مدرسه، کانون اجتماع ملی بود؛ خانه او خانه ملت شد. خانه‌ای که بر آن ماجراها گذشت: گاه سنگرگاه آزادیخواهان بود؛ گاه در روشنایی مشروطیت عیان شد؛ گاه در تیره شامی استبداد فرورفت؛ گاه جلوه‌گاه شور و امید بود؛ گاه آماج تیر بیگانه شد؛ قزاق بر آن چیره گشت؛ بوم در آن خانه کرد.»